

مقایسه تطبیقی سازمان‌های اکو و آ.سه.آن (دلایل همگرایی و واگرایی)

محمد مهدی میرزایی*

استادیار مسائل منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مریم شهبازی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

آسیا به‌رغم برخورداری از برخی مولفه‌های قدرت نظیر سرزمین، جمعیت و بازارهای وسیع، سهم اندکی در سیاست و اقتصاد جهانی در دهه‌های گذشته داشته است. با این همه، امروزه قاره کهن از رهگذر توسعه اقتصادی تاریخی خود مجدداً به مرکز تاریخ جهان بازگشته و به‌عنوان یک بازیگر جهانی از نقشی تعیین‌کننده در نظام بین‌الملل برخوردار شده است. همگرایی منطقه‌ای روند و بُعدی دیگر از سیاست آسیایی است که به ارتقا جایگاه بین‌المللی این قاره مدد رسانده است. به‌همین سبب، یکی از پرسش‌های مهم مناظره‌های بین‌المللی جاری این قاره به «امکان یا امتناع همگرایی قاره‌ای» در آسیا مربوط می‌شود. در این بین فلسفه ایجاد آ.سه.آن و اکو بسیار به یکدیگر شبیه است، هر دو سازمان با هدف دوری جستن از کمونیسیم و با تشویق غرب تأسیس و تداوم یافتند. ولی پویایی این دو سازمان در طول زمان تا حدودی متفاوت بوده است. مقاله حاضر، در تلاش است، به روش تحلیلی و مقایسه‌ای زمینه‌های همگرایی و واگرایی را در میان اعضای اکو و آ.سه.آن مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی نوشتار حاضر این است: با اینکه شرایط شکل‌گیری هر دو سازمان اکو و آ.سه.آن در دو بخش از قاره پهناور آسیا (جنوب غربی و جنوب شرقی) مشابه بود چرا آ.سه.آن توانسته به همگرایی میان اعضاء برسد، در حالی که اکو در مراحل ابتدایی همکاری به‌سر می‌برد؟

کلید واژه‌ها

همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، اکو، آ.سه.آن، ژئوپلیتیک

* Email: mahdiazadmirzae@gmail.com.

سازمان همکاری اقتصادی (اکو) شکل جدیدی از «سازمان عمران منطقه‌ای» (آر.سی.دی) است که در سال 1964 با همکاری ایران، ترکیه و پاکستان شکل گرفت. گرچه هدف ظاهری از تشکیل «آر.سی.دی» پیشبرد همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی در میان سه کشور یاد شده بود ولی هدف اصلی آن همکاری‌های سیاسی و گاه امنیتی در شکل همکاری‌های اقتصادی بود، زیرا هر سه کشور در جبهه غرب قرار داشته و نسبت به گسترش نفوذ اتحاد شوروی و کمونیسم به‌طور کلی نگران بودند (کولایی؛ مودب، 1388: 1). بنابراین پیوند اصلی سه کشور، موضع غیر اعلام شده ضد شوروی بود. از سوی دیگر در همان شرایط در منطقه آسیای جنوب شرقی اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی (آ.سه.آن) با چند سال تأخیر و در سال 1967 با عضویت کشورهای تایلند، مالزی، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین بر اساس «اعلامیه بانوک» به‌طور دقیق با همان هدف ایجاد جبهه‌ای واحد در مقابل گسترش کمونیسم در منطقه تشکیل شد و مانند «آر.سی.دی» در قالب همکاری‌های اقتصادی و عمرانی به‌منظور توسعه اقتصادی تشکل یافت. این دو سازمان هیچ‌گاه به هدف غایی خود اشاره نکرده و بارها اعلام می‌کردند هدف اصلی‌شان همکاری‌های اقتصادی دور از هرگونه موضع‌گیری و با جبهه‌گیری در مقابل گسترش نفوذ کمونیسم است (شاهنده، 1377: 92). حمایت استراتژیک، قدرتمند و نیز تشویق و تحریک قدرتهای بزرگ را در پس شکل‌گیری این سازمان نباید نادیده گرفت. تلاش آمریکا در شکل‌گیری آ.سه.آن، در راستای تلاش‌های نظامی این کشور در جنگ ویتنام بود. آن‌چه که این ادعا را تأیید می‌کند این واقعیت است که هیچ دولت کمونیستی در آ.سه.آن عضویت نداشت. اولین جلسه سران این اتحادیه در سال 1976 تشکیل شد، یعنی همان زمانی که آمریکا از ویتنام خارج شد (شقیعی، 1385: 47؛ سازمند، 1388: 28). سؤال اصلی نوشتار حاضر این است: با اینکه شرایط شکل‌گیری هر دو سازمان اکو (با توجه به آر.سی.دی به‌عنوان پیشینه آن) و آ.سه.آن در دو بخش از قاره پهناور آسیا (جنوب غربی و جنوب شرقی) مشابه بود چرا آ.سه.آن توانسته به همگرایی میان اعضاء برسد، در حالی که اکو در مراحل ابتدایی همکاری به‌سر می‌برد؟ و به روش تحلیلی-مقایسه‌ای در پی اثبات این فرضیه می‌باشیم که اگرچه بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران و نت، شکل‌گیری این دو نهاد بر اساس «منطق پیامد» بود، اما به‌واسطه «منطق تناسب» سه دسته هنجارهای جامعه بین‌المللی (منطق لاک)، هنجارهای جامعه امنیتی (منطق کانتی) و هنجارهای منطقه‌ای (هنجارهای رویه‌ای) در میان کشورهای عضو آ.سه.آن درونی شده و همین موضوع سبب شکل‌گیری هویت مشترک در میان اعضاء در قالب یک جامعه امنیتی شده است، در حالی که اعضای اکو این مراحل را طی نکرده‌اند و هویت مشترک در میان آنها ایجاد نشده است. هم‌چنین در این نوشتار هویت مشترک به‌عنوان متغیر مستقل و همکاری و تعامل هم به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. هم‌چنین لازم است قبل از ورود به بحث اصلی به تعریف چند مفهوم به کار برده شده در این نوشتار بپردازیم.

همگرایی: از اوایل قرن هفدهم به این سو، به‌دنبال هر نوع مناقشه‌ای که در اروپا به‌وقوع می‌پیوست، مساله «همگرایی» در شکل‌های گوناگون، مانند ایجاد فدراسیونی برای استقرار صلح، مطرح می‌گردید؛ ولی عملاً پس از تجدید حیات اقتصادی اروپا به‌دنبال جنگ جهانی دوم بود که موضوع اتحاد و همکاری میان واحدهای جداگانه‌ای سیاسی، از اهمیت خاصی برخوردار شد و نظریه‌پردازان با استفاده از تجربه بازار مشترک اروپا، به ارائه مدل‌ها و فرضیه‌های جدید در این حوزه پرداختند. در واقع همگرایی سیاسی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به‌طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف‌نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند.

ژئوپلیتیک: «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست می‌باشد. ژئوپلیتیک شاخه‌ای است از جغرافیای سیاسی و به آن بخش از معرفت بشر اطلاق گردید که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود. این شاخه علمی از زمان وضع آن، طی یک قرن گذشته، از نظر مفهومی و فلسفی دچار شناوری و گاهی رکود بوده و همانند برخی رشته‌های علمی دیگر هنوز بر سر موضوع و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. گاهی اوقات در بعضی تعاریف، ژئوپلیتیک معادل جغرافیای سیاسی خوانده شده است اما اکثر دانشمندان ژئوپلیتیک قائل به جدایی حوزه‌های ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی هستند.

پیشینه تاریخی

مطالعه و بررسی فعالیت‌ها و پیشینه سازمان عمران منطقه‌ای نشان می‌دهد که این سازمان در بیش از دو دهه همکاری، در عمل نتوانست به سازمانی اقتصادی تبدیل شود و کشورهای عضو هیچ‌گاه نتوانستند با نهادهای همکاری‌های اقتصادی خود به گسترش همکاری‌های سیاسی و امنیتی مورد نظر دست یابند (شاهنده، 1377: 92). بی‌میلی کشورهای عضو به چشم‌پوشی از منافع ویژه خود که لازمه توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است، به مانعی اساسی در این مسیر تبدیل شد. سه کشور بنیانگذار این سازمان از سطح نسبتاً متوازی از توسعه اقتصادی برخوردار بودند ولی رشد سریع درآمدهای ارزی ایران در پی افزایش بهای نفت، گرایش همبستگی در درون آ.ر.سی.دی را کاهش داد (صفی‌نیا، 1356: 6). به این ترتیب این سازمان در عمل بیشتر به مسائل تشریفاتی پرداخت و دیوان‌سالاری و تشریفات گسترده این سازمان، آن‌را از عملکرد واقعی تهی ساخت. از سوی دیگر نبود جنبه‌های تکمیل‌کنندگی در میان اقتصاد کشورهای عضو، مانعی اساسی در راه رشد همکاری‌های اقتصادی بود (خورشیدی، 1367: 89). در این زمینه امکانات ضعیف سه کشور برای توسعه تجارت منطقه‌ای، نیز از مشکلاتی بود که باید در این سازمان مورد توجه قرار می‌گرفت (Islam, 1976: 287-286). همچنین شناسایی نکردن مزیت‌های نسبی هر یک از کشورهای عضو برای توسعه روابط تجاری از دیگر مسائل این سازمان به‌شمار می‌رفت. اجرای سیاست‌های حمایتی در کشورهای عضو و وابستگی ساختار تجارت آنها به بازار صنایع جهانی بر دشواری‌های این سازمان افزود. از این رو تأکید هر یک از اعضا، بر منافع ملی خود در برابر منافع منطقه‌ای، سبب کندی و سستی در رشد این سازمان شد. گرایش ترکیه به اتحادیه اروپا، به این سازمان جنبه تشریفاتی داد. پیگیری این سیاست از سوی ترکیه و گرایش‌های برتری‌طلبانه منطقه‌ای ایران با حمایت ایالات متحده، از دیگر عوامل اساسی ضعف و ناکارآمدی سازمان آ.ر.سی.دی بود. علاوه بر موارد یاد شده، در دوران فعالیت سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، هیچ‌گونه تلاش جدی برای دگرگونی الگوی تجارت در منطقه انجام نشد. تجارت اعضای این سازمان نیز هم‌چنان به‌طور گسترده با خارج از منطقه صورت می‌گرفت (کولایی؛ مؤدب، 1388: 7).

در مقابل در جنوب شرق آسیا، عامل رشد اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا «آ.سه.ان» تحکیم روابط اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای با هدف بی‌اثر ساختن تهدید کمونیسم در این منطقه بود. این تهدید از جانب 5 عضو بنیانگذار آن، چنان جدی تلقی می‌شد که اختلاف‌های ارضی، مسائل مرزی و تاریخی به‌طور موقت به تعلیق درآمدند. مساله جالب در همکاری‌های بین اعضای آ.سه.ان که بعدها به یک اصل و شیوه عمل تبدیل شد، چشم‌پوشی از حل‌وفصل مشکلات بر جای مانده از گذشته بود. تاکتیک کشورهای عضو در مقابل مشکلات دوجانبه و یا چند جانبه، مهار آنها بود که با تأکید بر اهداف عالی اتحادیه، یعنی انسجام و نپرداختن به مشکلات بین اعضا و پافشاری بر اهداف مشترک بزرگ منطقه‌ای انجام می‌گرفت. به عبارت دیگر همکاری منطقه‌ای به دلیل پیوندهای قومی به یک اولویت حیاتی در برابر مسائل ملی تبدیل شده بود. در حالی که چنین اجماعی در میان سه عضو آ.ر.سی.دی با همه شعارهایی که داده می‌شد وجود نداشت و مسائل ملی

هم‌چنان بر مسائل منطقه‌ای اولویت داشت. در حوزه آر.سی.دی، پاکستان با جمهوری خلق چین روابطی گسترده داشت. ایران سیاست تنش‌زدایی با اتحاد شوروی را دنبال می‌کرد و ترکیه نیز روابط خود با این کشور را بهبود بخشیده بود. در هر سه جنبش‌های کمونیستی نسبت به منطقه آ.سه.آن ضعیف بود و نگرانی از آن به اندازه نگرانی موجود در آ.سه.آن نبود (شاهنده، 1377: 94).

پیمان آر.سی.دی با سقوط رژیم شاه در ایران در سال 1979 در عمل فلسفه وجودی خود را از دست داد و دچار انفعال شد. این مسئله با انسجام بیشتر آ.سه.آن به سبب بحران کامبوج و موضع‌گیری یکسان اعضای آ.سه.آن در برابر حمله ویتنام به کامبوج و اشغال این کشور به وسیله نیروهای ویتنامی قابل مقایسه است. هم‌زمان با سقوط رژیم شاه در ایران، نیروهای جمهوری خلق چین برای گوش مالی ویتنام به دلیل حمله به کامبوج و ساقط کردن رژیم خمرهای سرخ طرفدار چین، به آن کشور حمله کردند (شاهنده، 1377: 97). در همین هنگام درونی شدن هنجارهای آ.سه.آن توسط اعضا در مقابل نفوذ شوروی تحکیم می‌یابد.

با پایان جنگ سرد، عقب‌نشینی ویتنام از کامبوج، تسلط و برتری میانه‌روهای علاقه‌مند به اصلاح و نوسازی اقتصادی در ویتنام، این کشور آماده بود تا آ.سه.آن و هنجارهای آن را جدی‌تر بگیرد. در سال 1990 ویتنام و لاتوس تقاضای عضویت ناظر در آ.سه.آن را مطرح کردند. در سال 1992، آنها پیمان همکاری و دوستی را امضا کردند که نتیجه نشست سران آ.سه.آن در بالی (اندونزی) بود. بدین ترتیب موافقت کردند از هنجارهای آ.سه.آن و قواعد رفتاری آن برای روابط منطقه‌ای پیروی کنند. در ژوئیه 1995 ویتنام هم به‌عنوان هفتمین عضو آ.سه.آن پذیرفته شد. برونتی هم در ژانویه 1984 اندکی پس از به‌دست آوردن استقلال به آ.سه.آن پیوست. سپس در ژوئیه 1997 کشورهای لاتوس و میانمار هم به این اتحادیه پیوستند. کامبوج در سال 1999 دهمین عضو این اتحادیه شد (بروجردی، 1380: 25).

در منطقه آسیای جنوب غربی نیز ائتلاف سه‌گانه ایران، ترکیه و پاکستان که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فلسفه وجودی خود را از دست داده بود، پس از گذشت شش سال در سال 1985 تحت نام جدید سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، با تلاش ایران در شرایط جنگ با عراق تجدید حیات یافت. ولی در عمل سه کشور همکار در اکو، از مشترکات قوی برخوردار نبودند که سبب شود همکاری فراتر از تشریفات رود. جمهوری اسلامی ایران با بنیان‌های مذهبی-ایدئولوژیک با ترکیه سکولار و غرب‌گرا و پاکستان تحت کنترل گروه‌های مخالف ایران (دست‌کم مخالف شیعه و گسترش آن) نمی‌توانست در یک جبهه قرار گیرد. بنابراین تا فروپاشی رسمی اتحاد شوروی در سال 1991 تشریفات بر این سازمان حاکم بود (شاهنده، 1377: 99). بالاخره فروپاشی اتحاد شوروی سبب گسترش فعالیت‌های اکو شد زیرا شماری از کشورهای تازه استقلال یافته یعنی آذربایجان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان تمایل خود را برای پیوستن به این سازمان اعلام کردند، حتی افغانستان نیز برای عضویت در آن اعلام آمادگی کرد (امیدی، 1388: 197؛ کولایی، 1379). اعضای بنیانگذار با این تقاضاها موافقت کرده و تعداد اعضای اکو هم مانند آ.سه.آن به ده عضو افزایش یافت.

چارچوب نظری

در میان سازه‌انگاران و تا حدی نهادگرایان نئولبرال در مورد مفاهیم هنجار¹، قاعده²، اصل³، رویه⁴ اتفاق نظر کامل وجود ندارد و خیلی از مواقع این مفاهیم به‌جای یکدیگر به‌کار رفته‌اند. بر اساس تعریف پژوهشگران رهیافت سازه‌انگاری مانند

1 -Norm.

2 -Rule.

3 -Principle.

4 -Procedure.

ونت، جبرسن، کتزنتین، اوفن، فینمور و سیکینک از هنجار، می‌توان گفت هنجار «استاندارد رفتار مناسب برای کنشگرانی دارای هویت مشترک است» یا هنجار انتظارهای جمعی درباره رفتار مناسب برای یک هویت مشخص است (Wendt, 1996; Katzenstein, 1996: 5). جفری چکل نیز در تعریف هنجار بیان می‌دارد «هنجار برداشت مشترک در مورد رفتار مناسب از سوی کنشگرانی دارای هویت مشترک است (Checkel, 1999: 83). جفرسون ونت و کتزنتین هم هنجار را این‌گونه تعریف می‌کنند: هنجارها در مرحله اول هویت‌ها را می‌سازند. هنجارها، رفتار این هویت‌های ساخته شده را تنظیم می‌کنند و تعیین کننده انتظارهایی هستند که از هویت‌ها می‌رود برای این که در شرایط مختلف چگونه رفتار کنند (Jespersen & Wendt & Katzenstein, 1996: 54).

استفن کراسنر از نظریه پردازان رهیافت رژیم‌های بین‌المللی هم هنجارها را استانداردهای رفتار میدانند که به صورت حقوق و تکالیف تعریف می‌شوند (Krasner, 1982: 186). همان‌گونه که از این تعریف بر می‌آید، او برخلاف سازه‌انگاران در تعریف خود مفهوم، هویت را وارد نمی‌سازد، تأثیر هنجارها را بر شکل‌گیری هویت مطرح نمی‌کند و تنها به ارائه تعریف محدودی از هنجار مبادرت می‌ورزد که وجه مشخصه آن تأثیرگذاری بر رفتار کنشگران است. وی در تعریف قواعد می‌گوید، قواعد مبین رهنمودهای خاص یا ممنوعیت‌های خاص رفتار کنشگران است که به تعریف هنجار بسیار نزدیک به نظر می‌رسد (Krasner, 1982: 186). اوفن نیز قواعد را دارای مفهومی گسترده‌تر از هنجارها دانسته و همه قواعد را هنجار میدانند، اما به نظر او همه هنجارها، قاعده نیستند. در دیدگاه اوفن هم قواعد و هم هنجارها ابزار حفظ نظم اجتماعی برآورد می‌شوند (Onuf, 1989: 10). در واقع افراد یا دولت‌هایی که به یک گروه معین تعلق دارند یا به تعبیری دارای یک هویت مشخص هستند، به مجموعه‌ای از اصول یا قواعد رفتاری یا رویه‌ها پایبند هستند. یک هنجار زمانی ایجاد می‌شود که هر عضو همان گروه یا دخیل در هویت مشترک انتظار داشته باشد، دیگر اعضای گروه مطابق با همان قواعد مشترک میان اعضا رفتار کنند. نکته مهم این که این اصول و قواعد رفتاری در میان اعضای یک گروه عام و همیشگی نبوده و ممکن است بر اساس شرایط، محیط و بستر سیاسی - اجتماعی متفاوت دچار تعدیل و یا تغییر شوند (Hund, 2001: 3-4). اگر قرار باشد نهادی جامعه امنیتی محسوب شود، اعضای آن باید به هنجارهای مشترکی در میان خود پایبند باشند که این هنجارها مبنای رفتار اعضا در برابر یکدیگر قرار می‌گیرد و تجلی هویت جمعی در میان اعضا است (Hund, 2001: 26).

یکی از موضوع‌های مهمی که در رهیافت سازه‌انگاری برای طراحی نهادی مطرح می‌شود، اصل «منطق تناسب¹» است. اگر چه بر اساس دیدگاه خردگرایی (جریان اصلی روابط بین‌الملل)، معمولاً اولین گام برای طراحی نهادی حاکم بودن «منطق پیامد²» است؛ بدین معنا که بر اساس نظریه انتخاب عقلانی کنشگران زمانی به ایجاد نهادها روی می‌آورند که تشکیل این نهادها برای آنها سودمند بوده و کارکردی مثبت را برای آنها به دنبال داشته باشد. اما سازه‌انگاران بر این باورند که می‌توان از اصل «منطق تناسب» نیز استفاده کرد. بر اساس این اصل، به جای تأکید صرف بر هزینه‌ها و منافع، بر آنچه که به لحاظ هنجاری مناسب است تأکید می‌شود. بر اساس منطق تناسب هنجاری که ناشی از درونی شدن هنجارها است، کنشگران هنجارها را بخشی از هویت خود می‌سازند و این هویت، منافع جمعی آنها را ایجاد می‌کند (Wendt, 2001: 1023-1024). هنجارهای آ.سه.آن به عنوان ویژگی مهم یک جامعه امنیتی، در نتیجه روابط میان اعضا در مقاطع زمانی مختلف شکل گرفته و مبنای رفتار دولت‌های منطقه در مورد خود و دیگران قرار گرفته است.

1 -Logic of Appropriateness.
2 -Logic of Consequent.

نهاد آ.سه.ان به‌عنوان جامعه‌ای امنیتی دارای هنجارهای خاص خود است که از آن به‌عنوان «راه آ.سه.ان^۱» یا «فرآیند آ.سه.ان^۲» یاد می‌شود. آنها هنجارهایی هستند که تا کنون مبنای تحکیم و تداوم آ.سه.ان بوده و هنجارهای دیگری نتوانسته‌اند جایگزین آنها شوند. این هنجارها با تعریفی که دویچ درباره رویه‌ها در جامعه امنیتی کثرت‌گرا ارائه می‌کند، مطابقت دارد. اگرچه دویچ در تعریف خود از جامعه امنیتی کثرت‌گرا به‌صورت مشخص به هنجارها اشاره نمی‌کند. به‌نظر او در نتیجه تعاملات، مبادلات و ارتباطات میان افراد و در سطح گسترده‌تر دولت‌ها، رویه‌هایی ایجاد می‌شود و در نهایت یک جامعه امنیتی کثرت‌گرا در میان آنها شکل می‌گیرد.

همگرایی میان اعضای آ.سه.ان بر اساس رویکرد هنجاری: با استفاده از مبانی نظری یاد شده در مورد آ.سه.ان می‌توان گفت اگرچه شکل‌گیری آ.سه.ان بر اساس منطق نتایج بود، یعنی دولت‌های منطقه به‌خاطر برقراری صلح و آرامش و افزایش تعاملات همکاری جویانه در حوزه‌های مختلف، بر اساس منطق پیامد این سازمان را تشکیل دادند، اما تداوم و گسترش آن و به تعبیری تحقق همگرایی در آن بر اساس منطق تناسب، مبتنی بر هنجارها و درونی شدن آنها در میان اعضا در فرآیندی از یادگیری اجتماعی پیچیده بود. در ادامه به مهم‌ترین هنجارهای تشکیل دهنده «راه آ.سه.ان» که سبب شکل‌گیری هویت مشترک و همگرایی میان اعضا شده اشاره می‌شود.

هنجارهای تأسیسی (رفتاری): هنجارهایی در آ.سه.ان وجود دارد که هنجار رفتاری تلقی می‌شوند، به این معنا که نمایانگر قواعد رفتاری حاکم بر روابط اعضای آن با یکدیگر و نیز روابط اعضای این نهاد با دیگر دولت‌ها هستند. این هنجارها، هنجارهای نظام معنایی بین‌المللی هستند که از سوی کشورهای تازه استقلال یافته آ.سه.ان نیز مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این هنجارها به‌شکل جدی، مشخص و جامعی در «پیمان همکاری و دوستی اعضای آ.سه.ان» که در سال 1976 به امضای اعضا رسید، آمده است. این هنجارها پس از حدود یک دهه تعامل در میان اعضای آ.سه.ان مورد تأکید و پذیرش قرار گرفت و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف. مداخله نکردن در امور داخلی یکدیگر،

ب. متوسل نشدن به زور،

ج. احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها،

د. حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات (Sopie, 11; 1986: 229; Acharya, 12; 2001: 1384; Hunt, 408-438). این هنجارها به‌ویژه هنجار مداخله نکردن در امور داخلی یکدیگر، عامل اصلی حفظ انسجام و حتی گسترش آ.سه.ان بوده است. بنابراین، بر اساس «منطق تناسب هنجاری» می‌توان گفت این هنجارهای نظام معنایی بین‌المللی، از سوی اعضای آ.سه.ان مناسب تشخیص داده شد و علاوه بر اینکه مبنای رفتار آنها قرار گرفت، در میان آنها درونی نیز شد. از جنبه‌ای دیگر می‌توان گفت بر اساس دیدگاه ونت در مورد حاکم بودن سه نوع فرهنگ هابزی، لاکو و کانتی در نظام آنارشیک بین‌المللی، اگرچه هنجارهایی مانند هنجار احترام به حاکمیت و مداخله نکردن در امور داخلی دیگر کشورها، از هنجارهای حاکم بر منطق رقابت لاکو است، اما هنجارهای متوسل نشدن به زور و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها هم در شمار هنجارهای حاکم بر فرهنگ کانتی هست (ونت، 1384: 408-438). بنابراین می‌توان گفت هنجارهای رفتاری مورد پذیرش در راه آ.سه.ان، ترکیبی از هنجارهای حاکم بر فرهنگ لاکو (مبتنی بر منطق رقابت) و فرهنگ کانتی (مبتنی بر

1 - ASEAN WAY.

2 - ASEAN PROCESS.

3 - BEHAVIORAL (CONSTITUTIVE NORMS).

منطق دوستی) در میان اعضا است. اگرچه در «اعلامیه بانکوک» که سند تأسیس آ.سه.آن است بر هنجارهای حاکم بر فرهنگ لاکمی تأکید شده، اما در ادامه و در نتیجه تعامل اعضا و شناخت بیشتر از یکدیگر، کم‌کم هنجارهای حاکم بر منطق کانتی نیز در هنجارهای رفتاری حاکم بر روابط اعضا با یکدیگر وارد شده و مورد تأکید و پذیرش اعضا قرار گرفته است. اما این هنجارها تنها هنجارهای راه آ.سه.آن نیستند، زیرا همان هنجارهای حاکم بر نظام معنایی بین‌المللی است. آنچه که سبب منحصر به فرد شدن راه آ.سه.آن به‌عنوان اصل راهنمای هنجاری میان اعضا و شکل‌گیری هویت مشترک در میان آنها شده، هنجارهای رویه‌ای است (Goh, 2003: 114).

هنجارهای رویه‌ای¹: این دسته از هنجارها در درون آ.سه.آن، به‌چگونگی مدیریت منازعه‌ها و اختلاف‌های دولت‌های عضو آ.سه.آن اشاره دارد (Busse, 1999: 47; Goh, 2003: 114). این هنجارها ویژه آ.سه.آن و متفاوت از رأی‌گیری بر پایه اکثریت آراء، روش‌ها و رویه‌های تصمیم‌گیری قانونی در گفت‌وگوهای چند جانبه غربی است. این هنجارها مبین فرآیند تصمیم‌گیری در آ.سه.آن و نشان‌دهنده دو مؤلفه اجماع² و مشاوره³ است. غیر رسمی بودن، اجماع‌سازی و چانه‌زنی بدون رویارویی از ویژگی‌های مهم تصمیم‌گیری در آ.سه.آن است که در قالب دو هنجار اجماع و مشاوره آشکار می‌شود (Narine, 1997: 946; Kurus, 1995: 405; Haas, 1990: 179). این دو هنجار بازتاب روش تصمیم‌گیری سنتی دموکراتیک در جوامع جنوب شرق آسیا به‌ویژه در روستاها و دهکده‌های مالزی و اندونزی است که در نتیجه گفت‌وگو، نشست‌ها و مشاوره‌های طرفین (مشاوره)، بر اساس اجماع تصمیم گرفته می‌شود و مطابق با اجماع، همه اعضا از موقعیت برابر برخوردار هستند. هر یک از طرفین خود را به نتایج پس از اجماع متعهد می‌کند. این روش ابزار مفیدی برای اعتمادسازی میان اعضا محسوب می‌شود (Hund, 2001: 19; Acharya, 1992: 11). در واقع در آ.سه.آن هیچ‌گونه رأی‌گیری نهادی و هیچ حق وتویی وجود ندارد و تصمیم‌ها معمولاً پس از گفتگوهای اعضا بر اساس اجماع گرفته می‌شود. این هنجارها، هم محصول فرآیند تعامل میان دولت‌ها در طول دهه‌ها است و هم سبب تشکیل نشست‌های متعدد و بیشتر تعاملات چند جانبه و متناوب شده است. به بیان دیگر سبب توسعه «فرهنگ نهادی» و گسترش ارتباطات نهادینه شده در میان اعضا می‌شود و به آ.سه.آن کمک می‌کند از ایجاد منازعات و اختلافات میان اعضا جلوگیری کند (Batabyal, 2000: 356; Leifer, 1997). به نظر هاک، می‌توان سه مفهوم متفاوت را از این دسته از هنجارهای آ.سه.آن ارائه کرد. نخست با دیدگاه ابزاری می‌توان گفت این هنجارها، ابزاری برای مدیریت منازعات و اعتمادسازی میان اعضای آ.سه.آن به‌شمار می‌آیند. دوم آن که یک روش تصمیم‌گیری است که بر دو اصل اجماع و مشاوره بنا شده است و بالاخره اینکه این هنجارها به‌همراه هنجارهای تأسیسی (رفتاری)، مبنای فرآیند هویت‌سازی دولت‌های عضو برآورد می‌شود (Haacke, 2003: 59). بر اساس رهیافت سازه‌انگاران فردادی مانند آمیتاو آچاریا، اعضای آ.سه.آن سعی کرده‌اند، در ایجاد راه آ.سه.آن بر اساس تلفیقی از درونی کردن و محلی کردن رفتار کنند. یعنی علاوه بر پذیرش و درونی کردن هنجارهای نظام بین‌الملل به‌عنوان هنجارهای رفتاری خود، تلاش کرده‌اند تا این هنجارها را با رویه‌ها، هنجارها و اصول رفتاری محلی خود، یعنی مشاوره و اجماع پیوند داده و مجموعه‌ای از اصول هنجاری را تحت عنوان راه آ.سه.آن پذیرفته و درونی کنند (Acharya, 2004: 241).

1 - PROCEDURAL NORMS.

2 - CONSENSUS.

3 - CONSULTATION.

در واقع این دولت‌ها با رد رأی‌گیری به شیوه اکثریت و با تأکید بر مشاوره و گفتگوهای غیر رسمی میان اعضا، تلاش کرده‌اند در زمینه هنجارهای رویه‌ای خود، متفاوت از غربی‌ها عمل کرده و به یک معنا محلی عمل کنند. با توجه به آنچه که در مورد هنجارهای آ.سه.آن اشاره شد، می‌توان گفت هنجارهای آ.سه.آن ترکیبی از هنجارهای سنتی اجتماعی-فرهنگی جوامع جنوب شرق آسیا و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی است. اما تنها بیان هنجارهای یاد شده، نمی‌تواند نشان دهد در میان دولت‌های عضو آ.سه.آن، هویت مشترک وجود دارد. آنچه می‌تواند زمینه و بستری مناسب را برای شکل‌گیری هویت مشترک در میان اعضا فراهم آورد، درونی شدن این هنجارها در میان اعضا است (Wendt, 2001: 1025).

تحقق نیافتن همگرایی در میان اعضای اکو بر اساس رویکرد هنجاری همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، فرضیه این مقاله آن است که دولت‌های عضو آ.سه.آن بر اساس منطق تناسب هنجاری توانسته‌اند هنجارهای موسوم به «راه آ.سه.آن» را در میان خود درونی کنند و به همگرایی در قالب هویتی مشترک دست یابند، در حالی که دولت‌های عضو اکو از چنین بستر هنجاری مشترک برای رسیدن به همگرایی در قالب هویت مشترک برخوردار نیستند. مهم‌ترین موانع شکل‌گیری بستر هنجاری مشترک در میان اعضای اکو به شرح زیر است:

1. عامل ادراکی: در مقایسه با اعضای سازمان‌هایی مانند شورای همکاری خلیج (فارس)، اتحادیه اروپا و آ.سه.آن، کشورهای عضو اکو خود را به یک منطقه خاص جغرافیایی متعلق نمی‌دانند. برای نمونه ترکیه بیش از آنکه به ارتباط آسیایی خود اهمیت بدهد، در پی پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. پذیرش ترکیه در فهرست انتظار ورود به اروپا، کم توجهی آن‌را به اکو تشدید کرده است. پاکستان نیز در اساس از نظر جغرافیایی و فرهنگی بیشتر متمایل به حوزه شبه قاره هند است. در این میان بین کشورهای ایران، افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان (کشورهایی که بیشتر در حوزه تمدنی ایران بوده‌اند) از نظر جغرافیایی و فرهنگی-تاریخی پیوستاری بیشتری مشاهده می‌شود (کولایی، 1379: 257-262؛ مستقیمی؛ قوام ملکی، 1387: 129).

در همین زمینه باید گفت داشتن شخصیت حقوقی مستقل از دولت‌های عضو برای یک سازمان تضمین‌کننده اعتبار آن است. در این صورت است که تصمیم‌های برای آن دولت‌های عضو الزام‌آور می‌شود. اما اکو از چنین ویژگی برخوردار نیست. عضویت یا گرایش به سازمان رقیب، یکی از دلایل مؤثر بر ضعف انسجام سازمانی اکو است (امیدی، 1385: 136). از نظر امنیتی-نظامی، اعضای اکو در اساس نگاهی برون‌گرایانه داشته‌اند و ائتلاف‌ها و اتحادیه‌های نظامی آنها بیشتر با قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای بوده و یا در چارچوب همکاری‌های چند جانبه محدود مانده است. در منطقه اکو پیمانهای متعدد امنیتی وجود دارد. در چارچوب جامعه کشورهای مستقل همسود، بازماندگان اتحاد شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز به روسیه پیمانهای امنیتی و نظامی متعدد امضا کرده‌اند. پیمان امنیت دسته‌جمعی تاشکند (1992) مقوم پیوند امنیتی روسیه با این جمهوری‌ها است. قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان همراه با چین و روسیه در سال 2001 اقدام به تأسیس سازمان همکاری شانگهای کردند (واعظی، 1385: 26). روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان اعضای اصلی این سازمان و ایران و پاکستان اعضای ناظر هستند. تمایل آذربایجان به عضویت در نهادهای اروپایی مانند شورای همکاری و امنیت اروپا، هم نمایانگر نگرش ضعیف آن به اکو است. در واقع کشورهای اکو هنوز در اراده خود برای کارآمدسازی اکو و اعلام وفاداری حداکثری به هنجارهای آن تردید دارند. هم‌چنین ترکیه عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز علاوه بر عضویت در سازمان امنیت و همکاری در اروپا، در چارچوب طرح‌هایی مانند برنامه «مشارکت برای صلح» با ناتو همکاری می‌کنند. این در

حالی است که جمهوری اسلامی ایران به شدت با گسترش ناتو به شرق مخالف است و این مسئله را مصداق تهدید امنیتی برای خود تلقی می‌کند (مستقیمی و قوام ملکی، 1387: 133). بنابراین از لحاظ ادراکی - امنیتی هنوز سازوکار امنیت درون منطقه‌ای مانند آ.سه.آن در میان اعضای اکو فراهم نشده است. در مقابل در منطقه آ.سه.آن سازمان رقیب مطرح وجود ندارد و آ.سه.آن به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل، همکاری این منطقه را با جهان گسترش داده است. به این دلیل نهادهای مکملی مانند سازمان همکاری آسیا - اروپا (آسم)، آسیا - پاسیفیک (آپک) و آ.سه.آن + 3 ایجاد شده است. جهت گیری‌های واحد این کشورها در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله اعلام منطقه آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های اتمی، اتخاذ مواضع مشترک در دیگر مسائل سیاسی سازمان ملل متحد، قرار گرفتن در گروه غیر متعهددها و تلاش برای حل مسالمت‌آمیز مسائل سیاسی نشانه‌های انسجام سازمانی آ.سه.آن است. به عبارت دیگر اعضای آ.سه.آن پذیرفته‌اند این نهاد دارای شخصیت مستقل است و صلاحیت برقراری رابطه با سایر نهادهای بین‌المللی را دارد. در منطقه آ.سه.آن سازمان رقیب برای اعلان وفاداری اعضا وجود ندارد (امیدی، 1385: 137: 1388: 285).

2. نبود انسجام سیاسی کشورهای عضو اکو: ده کشور عضو اکو نظام‌های سیاسی متفاوتی دارند. افغانستان در حال حاضر دارای حکومت جمهوری اسلامی است، اما با حضور نیروهای خارجی در این کشور، دچار مشکلات جدی سیاسی و امنیتی است. در پاکستان حکومت جمهوری اسلامی برپاست، اما نظامیان همواره در این کشور با کودتاهای مکرر حاکمیت داشته‌اند. هرچند از سال 2008 دموکراسی به پاکستان بازگشته، اما نظام سیاسی آن با توجه به فعالیت‌های گسترده تندروها و عناصر قبیله‌ای و منطقه‌ای به شدت شکننده است. ایران دارای نظام جمهوری اسلامی است، اما با داشتن نظام ولایت فقیه در میان اعضای اکو دارای وضعیتی منحصر به فرد است. در ترکیه یک نظام دموکراسی به شیوه غربی استوار شده ولی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه تعدیل‌هایی را در گرایش‌های افراطی غیردینی ایجاد کرده است. در کشورهای آسیای مرکزی نیز پس از هفتاد سال نظام‌های بدون انتخابات آزاد، جمهوری‌های لائیک برپا شده است. با اندکی توجه مشاهده می‌شود که این حکومت‌ها فقط نام جمهوری دارند. با گذشت حدود دو دهه از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، هنوز اقتدارگرایی در این کشورها تداوم دارد. به دلیل نبود انسجام سیاسی در اعضای اکو، این سازمان هیچ گرایشی به فعالیت‌های سیاسی نشان نمی‌دهد. در مقابل، اگرچه از لحاظ سیاسی در آ.سه.آن، کشورهای دارای نظام دموکراسی، پادشاهی، دولت‌های کمونیستی و حکومت نظامیان وجود دارند؛ اما با وجود تفاوت ظاهری در نظام‌های حکومتی، در سیستم سیاسی کشورهای عضو این اتحادیه شباهت نسبی دیده می‌شود. در کشورهای اندونزی، سنگاپور و فیلیپین دموکراسی، در مالزی نظام پادشاهی مشروطه با نهادهای لیبرال دموکراسی، در کامبوج پادشاهی با وفاداری به دموکراسی و سیستم چندحزبی، در تایلند و برونئی حکومت پادشاهی مشروطه دارای نظام پارلمانی، در جهت کاهش اختیارات پادشاه و سپردن قدرت به دست نهادهای دموکراتیک، نمایانگر تشابه نسبی در نظام حکومتی کشورهای آسیای جنوب شرقی است (امیدی، 1385: 135). همین انسجام نسبی سیاسی در میان اعضای آ.سه.آن به این سازمان اجازه داده است که به عنوان مثال توافقنامه‌های مهم سیاسی زیر را به امضا رسانده و آنها را به اجرا بگذارد:

- اعلامیه 1967 بانکوک برای تأسیس سازمان،

- پیمان دوستی بالی 1976،

- اعلامیه زوپفن 1971 کوالامپور در مورد اعلام آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی،

- پیمان بانکوک در 1997 برای اعلام منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای،

- تدوین چشم‌انداز 2020 آ.سه.آن در کوالامپور در سال 1997،

- توافقنامه بالی دوم در 2002.

در حالی که مهم‌ترین موافقتنامه‌های امضا شده دراکو، اقتصادی، فنی، اجتماعی - فرهنگی و نه سیاسی بوده که عبارتند از: عهدنامه امزیر (1977)، عهدنامه اصلاح شده امزیر، (1996 و 1992)، طرح عمل کویته (1993) دورنمای بلند مدت اکو (بیابانه استان بول) (1993) موافقتنامه تسهیل صدور روادید (1995)، طرح کلی آلماتی (1996)، موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا) (2003)، سند چشم‌انداز اکو 2015 (2005) (کولایی؛ مؤدب، 1388). تنها در سند چشم‌انداز اکو 2015 بخشی به کنترل مواد مخدر مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته اختصاص یافته است. بر اساس الگوی کلی مراحل همگرایی منطقه‌ای، اکو فعلاً در مرحله اول (منطقه تعرفه ترجیحی) قرار دارد (امیدی، 1388: 215).

3. نبود زیرساخت‌های اقتصادی جهت همگرایی: منطقه اکو با رشد اقتصادی بالا، بازارهای وسیع و رو به گسترش و منابع طبیعی غنی، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی دارد. اما موفقیت در این مسیر بستگی به گسترش همکاری در میان کشورهای منطقه در حوزه اقتصادی دارد. با بررسی شاخص‌های اقتصادی می‌توان برخی موانع و دشواری‌ها بر سر راه همگرایی کشورهای عضو اکو را برشمرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تفاوت‌های نظام‌های اقتصادی، گرایش به حوزه‌های اقتصادی رقیب، پایین بودن تجارت درون منطقه‌ای، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای (مستقیمی؛ قوام ملکی، 1387؛ کولایی؛ مؤدب، 1388). در حالی که در آ.سه آن تحقق همگرایی در بعد اقتصادی در قالب افتا (منطقه آزاد تجاری آ.سه آن) رخ داده است، نسبت تجارت درون منطقه‌ای در آ.سه آن چهار برابر منطقه اکو است. نظام‌های اقتصادی اعضای آن مشابه و اقتصاد کشورهای عضو مکمل یکدیگرند، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه قابل توجه بوده و حدود 3/5 درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی در جهان را تا سال 2005 برای خود ثبت کرده است (امیدی، 1388: 99؛ سازمند، 1388).

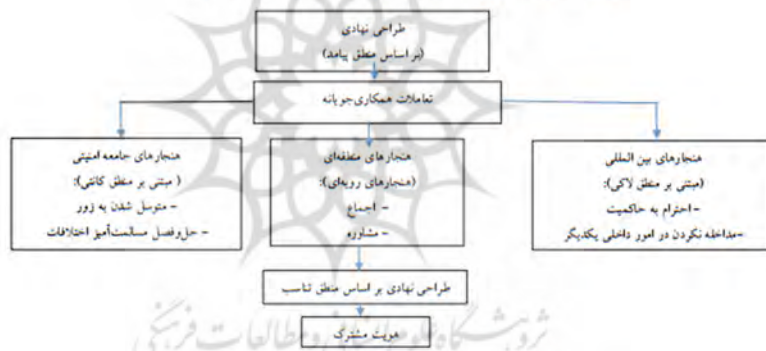
بنابراین موانع یاد شده در سازمان اکو سبب شده‌اند تا اعضای این سازمان، مانند اعضای آ.سه آن در پی طراحی نهادی مبتنی بر منطق تناسب هنجاری در درون آن نباشند و تحقق هویتی مشترک در میان اعضای اکو بسیار دشوار به نظر برسد. در واقع نبود هنجارهای رویه‌ای مشترک در میان اعضای اکو از یکسو و صرف احترام به هنجارهای مبتنی بر فرهنگ لاکو از سوی دیگر سبب شده است، اکو تا رسیدن به جامعه امنیتی فاصله بسیار زیادی داشته و همچنان فرهنگ رقابتی لاکو به جای فرهنگ دوستی کانتی در میان اعضای آن سیطره داشته باشد.

نتیجه‌گیری

اگرچه در مورد همگرایی منطقه‌ای در قالب نهاد آ.سه آن در منطقه آسیای جنوب شرقی آثار زیادی به شکل کتاب، مقاله و نقد به زبان انگلیسی منتشر شده است، اما در مورد اکو در منطقه آسیای جنوب غربی آثار زیادی به زبان انگلیسی منتشر نشده است. بنابراین تلاش شد در قالب رویکردی تحلیلی، موضوع همگرایی منطقه‌ای در آسیا را در قالب این دو نهاد منطقه‌ای به گونه‌ای مقایسه‌ای بررسی شود. پیش از این به موانع همگرایی منطقه‌ای در اکو بیشتر از دیدگاه اقتصادی و سیاسی پرداخته شده است، اما تلاش حاضر، از منظری هنجاری و سازه‌نگارانه این دو نهاد بررسی شده‌اند. در این مقاله تلاش شد تحقق همگرایی منطقه‌ای در آ.سه آن و تحقق نیافتن آن در اکو، از دیدگاه هنجاری و به بیان دقیق‌تر سازه‌نگارانه بررسی شود. نتیجه این است که مجموعه هنجارهایی در قالب «راه آ.سه آن» در میان اعضای آن درونی شده و سبب شکل‌گیری هویتی مشترک در میان اعضای آ.سه آن شده است. در حالی که در میان اعضای اکو چنین بستر نهادی برای شکل‌گیری هویت مشترک در میان اعضا وجود ندارد، زیرا عواملی در روابط میان اعضای اکو وجود دارد که از شکل‌گیری چنین بستر نهادی جلوگیری کرده است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از عامل ادراکی، عامل سیاسی و نبود

انسجام سیاسی کشورهای عضو. با این حال نمی‌توان نقش موانع اقتصادی را هم از نظر دور داشت. در واقع یکی از زمینه‌های درونی شدن هنجارهای تشکیل دهنده راه آ.سه.آن در میان اعضا، تعاملات گسترده همکاری‌جویانه اعضا در حوزه‌های موضوعی مختلف بوده که به بستن موافقتنامه در آن حوزه‌ها و ترتیبات نهادی مناسب برای اجرای این توافقنامه‌ها در چارچوب آ.سه.آن منجر شده است. در حالی که اعضای آکو اگرچه موافقتنامه‌هایی در اثر تعاملات همکاری‌جویانه بسته‌اند، اما، نخست در این موافقتنامه‌ها به موضوع هنجاری پرداخته نشده است و دوم بیشتر تعهدهای رسمی و به تعبیری روی کاغذ بوده است تا اینکه در واقع عملیاتی شده و همه اعضا به آنها پایبند باشند و اجرایی شده باشد. هم‌چنین تصویب و اجرای موافقتنامه‌ها و طرح‌های منطقه‌ای آکو روندی بسیار طولانی را طی می‌کند که بخشی از آن به ساختار کند تصمیم‌گیری در کشورهای عضو، به‌ویژه اعضای جدید و بخش دیگر به رقابت‌ها و اختلاف‌های سیاسی اعضای بنیان‌گذار مربوط می‌شود. سطح مشارکت پایین یا مشارکت نکردن برخی از اعضا در نشست‌های مختلف سازمان و مشکلات مربوط به تعویق برخی از جلسات تعیین شده سالانه، به دلیل نرسیدن به حد نصاب لازم را هم نباید از نظر دور داشت. بالاخره اینکه نهادینگی آکو بسیار محدودتر از آ.سه.آن است، در حالی که تشکیلات و سازوکار نهادی آ.سه.آن بسیار توسعه یافته‌تر و کارآمد است. در پایان م‌توان تحقق همگرایی میان اعضای آ.سه.آن از منظر هنجاری و تحقق نیافتن آن در میان اعضای آکو را به شکل نمودارهای زیر نشان داد:

نمودار تحقق همگرایی در میان اعضای آ.سه.آن از منظر هنجاری



نمودار نبود همگرایی در آکو از منظر هنجاری



منابع

الف) فارسی

1. امیدی، علی (1385)، «تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت و همگرایی در اکو و بالندگی آ.سه.آن»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره 1.
2. امیدی، علی (1388)، **منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آ.سه.آن، سارک و اکو**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
3. بروجردی، محمد (1380)، **اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن)**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
4. خورشیدی، غلامحسین (1367)، **بازار مشترک اسلامی**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
5. سازمند، بهار هف (1388)، **منطقه‌گرایی و هویت مشترک در جنوب شرقی آسیا**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
6. شاهنده، بهزاد (1377)، «آیا اتحادیه آ.سه.آن می‌تواند آینده سازمان اکو باشد؟»، فصلنامه خاورمیانه، شماره 13.
7. شفیع، نوذر (1385)، «سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه‌گرایی در آسیا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 53.
8. صفی‌نیا، پرویز (1353)، **همکاری عمران منطقه‌ای**، تهران: دبیرخانه آر.سی.دی.
9. کولایی، الهه؛ مؤدب، محمد (1388)، **سازمان همکاری اقتصادی اکو؛ دستاوردها و چشم‌اندازها**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
10. کولایی، الهه (1379)، **اکو و همگرایی منطقه‌ای**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
11. مستقیم، بهرام؛ قوام ملکی، حمیدرضا (1387)، «امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو»، **دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال اول، شماره 2.
12. واعظی، محمود (1385)، «تحوالات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 53.
13. ونت، الکساندر (1384)، **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ب) لاتین

1. Acharya, Amitav (1992), Regional Military – Security Cooperation in the Third World: A Conceptual Analysis of the Relevance and Limitations of ASEAN, **Journal of Peace Research**. Vol. 29, No1.
2. Acharya, Amitav (1998), **Collective Identity and Conflict Management in Southeast Asia**, in: Security Communities. Edited by Emanuel Adler and Michael Barnett. Cambridge: Cambridge University Press.

3. Acharya, Amitav (2000), **the Quest for Identity: International Relations of Southeast Asia**, Singapore: Oxford University Press.
4. Acharya, Amitav (2001), **Constructing a Security Community in Southeast Asia: ASEAN and the Problems of Regional Order**, London and New York: Routledge.
5. Acharya, Amitav (2004), **Terrorism and Security in Asia: Redefining Regional Order?**, Working Paper 113. Perth: Asia Research Centre, Murdoch University.
6. Batabyal, Anindya, (2004), ASEAN Quest for Security: A Theoretical Explanation, **International Studies**, Vol 41, No 4.
7. Busse, Nikolas, (1999), Constructivism and Southeast Asian Security, **the Pacific Review**, Vol 12, No 1.
8. Checkel, Jeffrey T, (1999), Norms, Institutions and National Identity in Contemporary Europe, **International Studies Quarterly**, Vol. 43.
9. Finnemore, Marth and Kathryn Sikkink, (1998), International Norms Dynamics and Political Change, **International Organization**, Vol 52, No 4.
10. Goh, Gillian, (2003), The ASEAN Way: Non- Intervention and ASEAN's Role in Conflict, **Stanford Journal of East Asian Affairs**, Vol 3, No 1.
11. Haacke, Jurgen, (2003), ASEAN's Diplomatic and Security Culture: A Constructivist Assessment, **International Relations of the Asia- Pacific**, Vol 3, No1.
12. Haas, Michael, (1990), **Asian Culture and International Relations, in: Culture and International Relations**, Ed by Jonsuk Chay. New York: Praeger.
13. Hund, Markus, (2001), **The Development of ASEAN Norms between 1997 and 2000: A Paradigm Shift?**, Zops Occasional Papers Trier, April.
14. Jepperson, Poland L, Alexander Wendt and Peter J. Katzenstein, **Norms, Identity and Culture of National Security**, in: Peter Katzenstein (Ed), **the Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics**, New York: Columbia University Press.
15. Kraft, Herman Joseph S, (2000), ASEAN and Intra- ASEAN Relations: Weathering the Storm? , **The Pacific Review**, Vol 13, No 3.
16. Kurus, Bilson, (1995), the ASEAN Triad: National Interest, Consensus- Seeking and Economic Cooperation, **CSEA Quarterly**, No 16.
17. Leifer, Michael, (1999), the ASEAN Peace Process: A Category Mistake, **Pacific Review**, Vol 12, No 1.
18. Narine, Shaun, (1997), **ASEAN and the Management of Regional Security**, 38th Annual International Studies Association Meeting, Toronto, Ontario, March 18-22.
19. Wendt, Alexander, (2001), Driving with the Rearview Mirror: On the Rational Science of Institutional Design, **International Organization**, Vol 55, no 4.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی